

## تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه و تکامل مقصدهای گردشگری

علی دلشاد<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۰۵

### چکیده

در دهه‌های اخیر، پیش‌بینی و تشریح سیر تحول و تکامل توسعه مقصدهای گردشگری موضوعی چالش‌برانگیز برای پژوهشگران حوزه گردشگری بوده است. اهمیت این موضوع در آن است که پیش‌بینی و تشریح این فرایند، عملاً هدایت توسعه به‌سوی روندی مطلوب و نظام‌مند را ممکن می‌سازد. شناسایی عوامل تأثیرگذار بر توسعه مقصدها و تعیین و تبیین نحوه تعامل آن‌ها با یکدیگر، نقش مهمی در ادراک مناسب از فرایند توسعه مقصدهای گردشگری و پیش‌بینی مراحل توسعه و تکامل آن‌ها خواهد داشت؛ که در پژوهش‌های پیشین، کمتر به آن پرداخته شده است. بنابراین هدف از پژوهش حاضر، شناسایی عوامل و عناصر تأثیرگذار بر توسعه و تکامل مقصدهای گردشگری و بررسی ارتباط بین آن‌هاست. این پژوهش، بر مبنای مخاطب پژوهش، بنیادین (نظری) و بر مبنای هدف، توصیفی - تحلیلی است. جامعه آماری این پژوهش شامل اساتید دانشگاهی و پژوهشگران رشته گردشگری بوده‌اند. روش گردآوری داده‌ها، آرشویی و پیمایشی (مصاحبه) بوده است. برای نظرسنجی از خبرگان، مصاحبه پیمایشی در قالب ابزار پرسش‌نامه دیمتل و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، در زمینه بررسی ارتباط و وابستگی بین عوامل مؤثر بر توسعه و تکامل مقصدهای گردشگری، تکنیک دیمتل خاکستری به کار رفته است. نتایج پژوهش نشان داد که پنج عامل نوع و فعالیت گردشگران، ظرفیت تحمل و محدودیت‌های رشد، تعداد گردشگران/ ساکنان، رقابت و توسعه تسهیلات و خدمات به ترتیب بیشترین میزان اهمیت را در فرایند توسعه و تکامل مقصدهای گردشگری دارند. همچنین عامل سیاست‌ها و پشتیبانی دولت، بیشترین تأثیر را بر سایر عوامل دارد و عوامل رقابت و توسعه زیرساخت‌ها و فناوری‌های نوین، بیشترین تأثیر را از سایر عوامل می‌پذیرند.

**واژه‌های کلیدی:** مقصدهای گردشگری، مدل‌های توسعه و تکامل، عوامل تأثیرگذار و تأثیرپذیر، تکنیک

دیمتل خاکستری.

۱. نویسنده مسئول: مربی گروه مدیریت جهانگردی، دانشگاه یزد ([alidelshad@yazd.ac.ir](mailto:alidelshad@yazd.ac.ir))

## مقدمه

در دهه‌های اخیر، پیش‌بینی و تشریح سیر تحول و تکامل توسعه مقصدهای گردشگری، موضوعی چالش‌برانگیز برای پژوهشگران حوزه گردشگری بوده است. اهمیت این موضوع در آن است که پیش‌بینی و تشریح این فرایند، عملاً هدایت توسعه به‌سوی روندی مطلوب و نظام‌مند را ممکن می‌سازد. در حقیقت برنامه‌ریز و سیاست‌گذار توسعه گردشگری، در صورتی که بتواند فرایند توسعه و تکامل مقصدهای گردشگری را شناسایی کند، می‌تواند با تنظیم سیاست‌ها و برنامه‌های مناسب و متناسب، به بهترین شکل، به هدایت مطلوب و پایدار توسعه در همه جوانب و ابعاد بپردازد. دستیابی به این توانمندی موجب ایجاد مجموعه‌ای از کوشش‌ها و تلاش‌های علمی و پژوهشی پژوهشگران و عالمان علوم گوناگون مرتبط با گردشگری مانند گیلبرت (۱۹۳۹)، بارت (۱۹۵۸)، والتر کریستالر (۱۹۶۴)، کوهن (۱۹۷۲)، پلاگ (۱۹۷۲)، داکسی (۱۹۷۵)، میوزک (۱۹۷۶)، استنسفیلد (۱۹۷۲)، باتلر (۱۹۸۰)، یانگ (۱۹۸۳)، کلر (۱۹۸۷)، اسمیت (۱۹۹۲)، پریدوکس (۲۰۰۰، ۲۰۰۴)، ما و هاسینک (۲۰۱۳) شده است.

براساس نظر پریدوکس (۲۰۰۰)، به‌طور کلی این پژوهش‌ها را می‌توان در سه رویکرد تغییر در روابط فضایی، تغییر در نیازهای روان‌شناختی بازدیدکنندگان/ ساکنان محلی و تغییر در چرخه‌های تکاملی دسته‌بندی کرد. رویکرد چهارمی که پریدوکس پیشنهاد می‌کند، رویکرد تلفیقی و در نظر گرفتن نقش بازار و دیگر عوامل اجتماعی - اقتصادی در فرایند رشد و توسعه مقصدهای گردشگری است که در الگوی پیشنهادی ما و هاسینک (۲۰۱۳) نیز، به آن اشاره شده است.

براساس نظر دیدریخ و گارسیا باودس (۲۰۰۹)، پیچیدگی پدیده گردشگری و تأثیرپذیری از عوامل کلان و خرد گوناگون و تأثیرگذاری آن بر این عوامل، مانع از ارائه یک مدل جامع برای تشریح و تبیین فرایند توسعه و تکامل مقصدهای گردشگری شده است. هرچند پژوهشگرانی که به نقد و بررسی و آزمایش مدل‌های مطرح در این حوزه مطالعاتی پرداخته‌اند، بر این موضوع اتفاق نظر دارند که توسعه و تکامل مقصدهای گردشگری، علی‌رغم وجود تفاوت در فرایند توسعه، در چارچوب چرخه‌ها و مراحل صورت می‌گیرد که در نتیجه عوامل گوناگونی شکل می‌گیرند. شناسایی این عوامل و تعیین و تبیین نحوه تعامل آن‌ها با یکدیگر، نقش مهمی در ادراک مناسب از فرایند توسعه مقصدهای گردشگری و تشریح و پیش‌بینی مراحل توسعه و تکامل آن‌ها خواهد داشت که در پژوهش‌های یادشده پیشین کمتر به آن پرداخته شده و در این پژوهش مدّ نظر قرار گرفته است. بنابراین هدف از پژوهش حاضر، شناسایی عوامل و عناصر تأثیرگذار بر توسعه و تکامل مقصدهای گردشگری و بررسی ارتباط بین آن‌هاست.

باتوجه به هدف فوق، این پژوهش بر آن است، تا با شناسایی و دسته‌بندی و بررسی ارتباط بین عوامل و عناصر تأثیرگذار بر توسعه و تحول و تکامل مقصدهای گردشگری، بستر لازم برای تحقق توسعه و تکامل مطلوب و الگومدار مقصدهای گردشگری را تشریح کند؛ به‌گونه‌ای که تعادل و پایداری طولانی‌مدت در انتفاع ذی‌نفعان گوناگون توسعه مقصدهای گردشگری، در همه ابعاد و سطوح، تضمین شود و چارچوب مناسبی برای تشریح و پیش‌بینی وضعیت توسعه و تکامل مقصدهای گردشگری ارائه شود و رهنمودهایی

در اختیار سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان توسعه این مقصدها قرار گیرد.

### مروری بر ادبیات موضوع

گیلبرت (۱۹۳۹) و کریستالر (۱۹۶۳) در زمره اولین محققانی بودند که به تشریح مراحل توسعه و تکامل مقصدهای گردشگری پرداختند. از نظر آنان، تغییر در تعداد جمعیت ساکنان یا گردشگران و اندازه و شکل پهنه‌های سکونتگاهی، از عوامل تعیین‌کننده وقوع هر مرحله به‌شمار می‌روند (ما و هاسینک، ۲۰۱۳). بارت (۱۹۵۸) نیز، مطالعاتی در زمینه ریخت‌شناسی مقصدهای تفرجگاهی ساحلی به انجام رسانید. در چارچوب نظری مدل بارت، تفرجگاه‌ها از هسته مرکزی کسب‌وکارهای گردشگری مانند اقامتگاه‌ها، رستوران‌ها، مغازه‌ها و... که در پشت نوار ساحلی مقصدهای ساحلی قرار گرفته‌اند، به پیرامون گسترش می‌یابند (اسمیت، ۱۹۹۲؛ پریدوکس، ۲۰۰۴).

کوهن (۱۹۷۲)، با مدنظر قرار دادن مباحث روان‌شناختی، به ارائه یک گونه‌شناسی از گردشگران ورودی به مقصد گردشگری در مراحل مختلف توسعه پرداخت. در مراحل مختلف توسعه، او گردشگران ورودی به مقصد را در چهار نوع افراد سرگردان، کاوشگران، گردشگران انبوه انفرادی و گردشگران انبوه سازماندهی‌شده، دسته‌بندی می‌کند (بری، ۲۰۰۱: ۲۹-۳۳). انواع گردشگران اشاره‌شده، به ترتیب و همراه با توسعه و تکامل مقصدهای گردشگری، به آنجا سفر می‌کنند (سواربروک، ۱۹۹۸: ۲۵۸).

پلاگ (۱۹۷۴)، در پژوهشی که انجام داد، گامی به جلوتر نهاد و صعود و نزول محبوبیت و اشتها مقصد را با تغییرات در گروه‌های روان‌شناختی گردشگر مرتبط کرد (ما و هاسینک، ۲۰۱۳). او با مطالعه ویژگی‌های روان‌شناختی، به‌ویژه شخصیت مسافران و گردشگران ورودی به مقصدهای گردشگری، گونه‌شناسی گردشگران را در مراحل مختلف توسعه و تکامل مقصدهای گردشگری ارائه کرد (بری، ۲۰۰۱: ۳۴). داکسی (۱۹۷۵)، بر مبنای پژوهش‌هایی که در جزایر باربادوس و مایورکا انجام داد، مدلی با عنوان «شاخص رنجش» ارائه کرد (بری، ۲۰۰۱: ۳۴). این مدل به تشریح چگونگی تغییر نگرش مردم محلی به مراحل توسعه و تکامل گردشگری (مراحل چرخه حیات مقصد گردشگری) می‌پردازد؛ مراحل تغییر نگرش مردم محلی عبارتند از: مرحله خشنودی، مرحله بی‌تفاوتی، مرحله آزدگی و رنجش و مرحله خصومت و مخالفت (سعیداردکانی، ۱۳۸۲: ۵۸).

میوزک (۱۹۷۶)، با ارائه مدل «اشاعه فضای گردشگری»، به مدل‌سازی تأثیر تغییر تکاملی بر سلسله‌مراتب توسعه مقصدهای گردشگری پرداخت. مدل او تکامل ساختاری یک مقصد را، در طی زمان و فضا، به‌تصویر می‌کشد و تغییرات در تأسیسات و تسهیلات گردشگری مقصد و به‌دنبال آن تغییر در رفتار و نگرش گردشگران، تصمیم‌سازان و جامعه میزبان را متذکر می‌شود. از انتقاداتی که بر مدل او وارد است، مدنظر قرار ندادن این واقعیت است که گردشگری نمی‌تواند در فضایی تهی توسعه یابد، بلکه در قالب ساختار اجتماعی - اقتصادی مقصد و نواحی پیرامونی آن توسعه خواهد یافت (پریدوکس، ۲۰۰۰؛ پیرس، ۱۹۸۹).

استنسفیلد (۱۹۷۲، ۱۹۷۸)، با مطالعه در مقصدهای تفرجگاهی شمال شرقی ایالات متحده، الگوی

تغییراتی را شناسایی کرد که تحت عنوان «چرخه مقصد تفرجگاهی»، در ادبیات نوین گردشگری، مطرح شد (باتلر، ۲۰۰۱: ۲۸۷). پژوهش او به‌ویژه تأثیرات محیط اجتماعی - اقتصادی را در توسعه و تکامل مقصدهای گردشگری مدّ نظر قرار داده بود (ما و هاسینک، ۲۰۱۳).

باتلر (۱۹۸۰) مدل چرخه حیات محصول را به‌گونه‌ای تغییر داد که مناسب صنعت گردشگری باشد (آلوارز و لورنکو، ۲۰۰۵: ۳-۴). او مدل «چرخه حیات پهنه گردشگری» را ارائه کرد. این مدل شش مرحله اکتشاف، مشارکت، توسعه، تثبیت یا بلوغ، رکود، نزول و یا نوسازی را، در توسعه و تکامل مقصدهای گردشگری، در نظر می‌گیرد (مور و وایت هال، ۲۰۰۵).

برمبنای پژوهش مان و هاسینک (۲۰۱۳)، بسیاری از پژوهشگران (کوپر و جکسون، ۱۹۸۹؛ داگلاس، ۱۹۹۷؛ یوانیدز، ۱۹۹۲؛ پریستلی و ماندت، ۱۹۹۸؛ استرپ، ۱۹۸۸؛ تومان، ۱۹۹۷؛ زونگ، دنگ و زیانگ، ۲۰۰۸) مدل باتلر را، به‌عنوان یک چارچوب توصیفی و تشریحی برای تحلیل فرایند توسعه مقصدهای گردشگری، به‌ویژه تفرجگاه‌ها، به‌کار برده‌اند. پریدوکس (۲۰۰۰) نیز، در پژوهش خود متذکر می‌شود که مدل باتلر، به‌طور گسترده‌ای در موقعیت‌هایی مانند مالت (اگلتورپ، ۱۹۸۴)، جزیره مان (کوپر و جکسون، ۱۹۸۹)، کارائیب (ویور، ۱۹۹۳)، مایورکا (مورگان، ۱۹۹۱)، منطقه آبشارهای نیجریه (گنز، ۱۹۹۲)، مینورکا (ویلیامز، ۱۹۹۳)، جزایر کوچک (ویلکینسون، ۱۹۸۷)، مناطق آلبی استرالیا (دیگانس، ۱۹۹۷)، نواحی کوهستانی (تومان، ۱۹۹۷) و سوازیلند (هریسون، ۱۹۹۵) مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج این مطالعات موجب هدایت پژوهشگران به اصلاح و بازپیرایی مدل اصلی شد.

باتلر، با رویکردی بازنگرانه به مفاهیم و کاربرد مدل چرخه حیات پهنه گردشگری، به بررسی و تحلیل عناصر کلیدی مدل شامل: پویایی یا تغییر، فرایند، ظرفیت یا محدودیت‌های رشد، محرک‌ها، مدیریت، دیدگاه بلندمدت، عنصر فضایی و قابلیت کاربرد در سطح جهان پرداخت (باتلر، ۲۰۰۱: ۲۸۹). همچنین او با جمع‌آوری مقالات پژوهشگران مطرح جهان، در زمینه بررسی مدل چرخه حیات مقصد گردشگری، به ارائه نظرها و انتقادات و اصلاحات صورت گرفته به مدل اولیه خود پرداخته است. همچنین او در این کتاب، در جمع‌بندی نظرات، به عناصر مذکور برای تبیین مدل خود اشاره کرده است؛ با این تفاوت که عنوان عنصر ظرفیت به «ظرفیت تحمل» تغییر یافته و عناصر دیدگاه بلند مدت و قابلیت کاربرد در جهان را حذف کرده است (باتلر، ۲۰۰۶: ۲۸۱-۲۹۰).

با وجود این، تلاش‌ها برای اصلاح و بازپیرایی مدل باتلر و تلفیق آن با مدل‌های دیگر، برای تکمیل نارسایی‌های آن در تشریح و تبیین توسعه و تکامل مقصدهای گردشگری، ادامه یافت. از آن جمله می‌توان به پژوهش‌های رودریگز و همکاران (۲۰۰۸)، با عنوان «پایداری مقصدهای جزیره‌ای با تلفیق مدل‌های چرخه حیات و غایت‌شناسی، مطالعه موردی: جزیره تنریف اسپانیا»، سینگ (۲۰۱۱) با عنوان «خطی بودن فرایند تکامل و متفاوت بودن از چرخه حیات» و کول (۲۰۱۲) با عنوان «افزایش هم‌افزایی بین عناصر بخش عرضه گردشگری (که در افزایش رضایت و میزان هزینه‌کرد گردشگران، متبلور می‌شود) و نقش آن در متوازن و متناسب کردن مراحل توسعه و تکامل مقصد گردشگری» اشاره کرد.

یانگ (۱۹۸۳)، با تحلیل توسعه تفرجگاه در روستاهای کشاورزی - ماهیگیری مالت، مدل کلی «فرایند توسعه گردشگری و تغییرات در چشم‌انداز روستایی» را ارائه کرد. این مدل به تحلیل و تلفیق

دانش و درک چگونگی تأثیر توسعه گردشگری، در تغییر و دگرگونی روستاهای مورد مطالعه، می‌پردازد. کالر (۱۹۸۷)، در پژوهشی با عنوان «مراحل توسعه گردشگری در مناطق پیرامونی: منطقه شمال غربی کانادا»، به دنبال شناسایی یک راهبرد ایده‌آل برای زمانی است که توسعه گردشگری موجب متنوع شدن بنیان اقتصادی منطقه می‌شود. بر مبنای مطالعات او، در زمینه مقایسه مدل باتلر با مدل‌های کوهن و پلاگ و سلسله‌مراتب کنترل و درون‌داد سرمایه‌ای (که توسط خود او در سال ۱۹۸۲ میلادی ارائه شده بود)، مقصدهای گردشگری دارای چرخه حیاتی متشکل از چهار مرحله هستند.

اسمیت (۱۹۹۲)، با ارائه مدلی با عنوان «مدل آزمایشی تفرجگاه ساحلی»، به تشریح پیشرفت از یک تفرجگاه ساحلی طبیعی و دست‌نخورده به تفرجگاهی با تأسیسات شهری و توسعه‌یافته پرداخت. او تغییرات از یک مرحله به مرحله دیگر را در پنج بُعد کالبدی، زیست‌محیطی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دسته‌بندی کرد.

پریدوکس (۲۰۰۰، ۲۰۰۴) مدلی نوین، با عنوان «مدل طیف توسعه تفرجگاه»، در زمینه توسعه مقصدهای گردشگری ارائه کرد. این مدل به ارائه مسیر توسعه و تکامل مقصدهای گردشگری در فرایند توسعه، بر مبنای تعادل نسبی عرضه و تقاضای بازار، می‌پردازد که به‌طور کلی در نقاط خاصی به‌وقوع می‌پیوندد. در این مدل، هر فاز توسعه تعدادی ویژگی تقاضا و عرضه را به نمایش می‌گذارد که ترکیب بازار گردشگری مقصد تفرجگاهی را، در یک نقطه زمانی مشخص، تعیین می‌کند. به‌غیر از تأثیر نیروهای تقاضا و عرضه و در موقعیتی که رشد مقصد در یک توازن زودگذر عرضه و تقاضا متوقف می‌شود، ظرفیت به‌عنوان عامل مهم و ویژه در مقصد مطرح می‌شود. ظرفیت مقصد یک عامل محلی ویژه است که با ترکیبی از عوامل زیست‌محیطی، عرضه زمین، اشتیاق جامعه، مؤلفه‌های ادراکی، سیاست‌های دولت و در دسترس بودن خدمات زیرساختی تعیین می‌شود. در واقع عوامل تعیین‌کننده ظرفیت، با در نظر گرفتن فضای رشد محدود، ممکن است در مرحله اولیه توسعه مانع رشد قلمداد شوند (ضرغام و دلشاد، ۱۳۹۰: ۱۵۲-۱۵۳).

گری و کانوس (۲۰۱۱)، در پژوهش «چرخه‌های حیات، مراحل و تاریخچه گردشگری؛ تجربه ایالت کاتالونیا (اسپانیا)»، برای پوشش نقاط ضعف مدل چرخه حیات مقصد گردشگری باتلر، از نظریه تنظیم استفاده کردند. این نظریه بر این اساس استوار است که همراه با تغییرات ساختاری اقتصادی و اجتماعی بلندمدت در مقصد، به تطبیق رویکردهای نهادی نیاز است؛ به این معنا که نظام‌های تولید و مصرف فعلی ممکن است به نقطه بحرانی برسند، به‌گونه‌ای که قوانین و مقررات سابق نتوانند پایدار بمانند، در نتیجه جامعه مجبور شود قوانین و مقررات جدیدی بیابد که مدل نوینی از مقررات (نظام‌های نوین قانونی، سیاسی و نهادی و شکل‌های نوین رقابت) را شکل می‌دهند.

ما و هاسینک (۲۰۱۳) نیز، با مطرح کردن الگوی جغرافیای اقتصادی تکاملی، به دنبال ایفای نقش تکاملی و استفاده از مفاهیم کلیدی این الگو برای ایجاد ارتباط با مدل چرخه حیات مقصد گردشگری باتلر بودند؛ به‌گونه‌ای که ضعف‌های این مدل، در زمینه پیش‌بینی فرایند توسعه و تکامل و کاربردی بودن آن، جبران و برطرف شود. آن‌ها دو مفهوم از الگوی خود شامل مدل وابستگی مسیر جایگزین و چارچوب هم‌تکاملی مقصد گردشگری را، برای جبران ضعف‌های مدل باتلر و پاسخ‌گویی به انتقادات از مدل چرخه حیات مقصد گردشگری، پیشنهاد دادند.



## روش‌شناسی تحقیق

پنجیدگی سیستم گردشگری مقصدها، تأثیرگذاری عوامل مختلف بیرونی و درونی و کلان و خرد (که در مبانی نظری به آن‌ها اشاره شد)، غیرممکن بودن تفکیک مشخص و شفاف محیط درونی و بیرونی و تعیین مرز دقیق سیستم، تجزیه و تحلیل تأثیر این عوامل بر فرایند توسعه و تکامل مقصدهای گردشگری را دشوار ساخته است. بنابه نظر مولج و همکاران (۲۰۰۶)، تعدد و گستردگی این گونه موارد در کنار کمبود اطلاعات مدل‌سازی، فقدان یک مدل سیستمی مناسب یا وجود تعداد زیادی مدل (برای تشریح و تبیین فرایند تحول و تکامل مقصدهای گردشگری)، موجب عدم قطعیت بسیاری می‌شود. در این عدم قطعیت، از روش‌های گوناگونی می‌توان به توصیف وضعیت سیستم گردشگری مقصد، به‌ویژه عوامل تأثیرگذار بر این سیستم و روابط آن‌ها با یکدیگر، پرداخت. یکی از این روش‌ها، «تئوری خاکستری» است که، به نظر لیو و لین (۲۰۰۶)، براساس محدوده اطلاعات در دسترس عمل می‌کند؛ که باتوجه به محدودیت‌های این پژوهش، برای گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها و دستیابی به اهداف پژوهش، مناسب تشخیص داده شده است.

این پژوهش، براساس دسته‌بندی نیومن (۱۳۹۵: ۴۹)، بر مبنای مخاطب پژوهش، بنیادین (نظری) و بر مبنای هدف، توصیفی - تحلیلی است. برای گردآوری اطلاعات، از روش‌های آرشویی (اسنادی و کتابخانه‌ای) و پیمایشی استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل اساتید دانشگاهی و پژوهشگران رشته گردشگری است که از دانش آکادمیک و سابقه کار پژوهشی، در حوزه مورد بررسی، برخوردار بوده‌اند. نمونه آماری این پژوهش پانزده نفر است که به روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی انتخاب شده‌اند. این تعداد، باتوجه به موضوع پژوهش و ویژگی تعریف شده برای جامعه آماری (خبره بودن در حوزه مورد مطالعه) و استفاده از تئوری خاکستری، از کفایت لازم برخوردارند و نتایج را قابل اتکا خواهند کرد.

در این تحقیق، ابتدا با مرور جامعی بر ادبیات پژوهش عوامل مؤثر بر توسعه و تکامل مقصدهای گردشگری، براساس نظر پژوهشگران و مدل‌های تشریح‌کننده فرایند توسعه و تکامل مقصدهای گردشگری، گردآوری و خلاصه شده است (جدول ۱). برای نظرسنجی از خبرگان و تجزیه و تحلیل داده‌ها، از تکنیک دیمتل مبتنی بر نظریه سیستم خاکستری استفاده شده است. این تکنیک، براساس پژوهش‌های بای و سرکیس (۲۰۱۳) و ژیا و دیگران (۲۰۱۵)، از چهار گام اصلی به شرح زیر تشکیل شده است:

### • گام اول

تشکیل ماتریس رابطه مستقیم خاکستری: این گام خود از سه گام فرعی تعریف مقیاس زبانی خاکستری، تشکیل ماتریس ارتباط مستقیم و نظرسنجی از خبرگان و ترکیب تمامی ماتریس‌های رابطه مستقیم خاکستری و محاسبه ماتریس تجمیعی نظرات خبرگان، با استفاده از یک روش میانگین‌گیری، تشکیل شده است.

### • گام دوم

محاسبه ماتریس رابطه مستقیم نرمال براساس ماتریس رابطه مستقیم تجمیعی؛

- گام سوم

تعیین ماتریس ارتباط کل؛

- گام چهارم

تشکیل تأثیر علی و نمودار گراف جهت‌دار (دیاگراف) در دیمتل.

در ادامه (باتوجه به استفاده از تکنیک فوق در این پژوهش)، پرسش‌نامه‌ای با استفاده از عوامل سیزده‌گانه شناسایی شده بر اساس ادبیات موضوع پژوهش، در قالب یک ماتریس به صورت زوجی (ماتریس استاندارد دیمتل) طراحی شد. ضمن ارسال پرسش‌نامه به خبرگان پژوهش، از آن‌ها خواسته شد تا با نمره دهی به میزان روابط زوجی متغیرها، از ۰ تا ۴، ارتباط و وابستگی بین دو عامل را به صورت تک‌به‌تک، بر اساس میزان روابط و وابستگی‌هایی که باهم دارند، بررسی و ارزش‌گذاری کنند. در این پژوهش، به منظور تضمین اعتبار داده‌های جمع‌آوری شده، با خبرگانی از اساتید دانشگاهی و پژوهشگران رشته گردشگری که از دانش آکادمیک و سابقه کار پژوهشی در حوزه مورد بررسی برخوردار بودند، مصاحبه شد تا داده‌های جمع‌آوری شده به اندازه کافی دقیق باشند (مشخصات خبرگان در جدول ۲ تشریح شده است). همچنین به منظور افزایش اعتبار سازه، شاخص‌های پژوهش از مرور ادبیات و مقالات چاپ‌شده، در مجله‌های معتبر جهانی، انتخاب شدند. چراکه روایی سازه به این موضوع اشاره دارد که سازه مورد بررسی، در پرسش‌نامه و پژوهش، واقعاً پدیده مورد نظر را نشان می‌دهد یا خیر؛ که بعد از احصای آرای خبرگان این موارد کاملاً تأیید شد و روایی تحقیق مشخص شد.

به منظور تضمین پایایی و اطمینان از اینکه خبرگان دقیقاً مفهوم موردنظر پژوهش را درک کرده‌اند، توضیحات کافی بدون جهت‌گیری شخصی به آن‌ها ارائه شد. همچنین پس از به دست آمدن نتایج در هر مرحله، این نتایج با خبرگان در میان گذاشته شد تا به تأیید نهایی آن‌ها نیز برسد. به منظور تکرارپذیری پژوهش، سعی شد تمامی داده‌های موردنیاز، تا حد امکان، در پژوهش آورده شود و گام‌به‌گام فرایند پژوهش به روشنی توضیح داده شود. به عبارت دیگر، نظر خبرگان در تمامی مراحل این پژوهش استفاده شد و به صلاح دید آن‌ها تغییر یا تعدیل لازم صورت گرفت.

جدول ۲: داده‌های توصیفی حاصل از پرسش‌نامه خبرگان

تعداد	طبقه‌بندی	دسته
۷	هیئت علمی	نوع شغل
۲	هیئت مدیره	
۶	دانشجوی دکتری یا هر موردی	
۴	لیسانس	سطح تحصیلات
۶	کارشناسی ارشد	
۵	دکتری	
۱۱	مرد	جنسیت
۴	زن	

منبع: نویسنده، ۱۳۹۵



## یافته‌ها

همان‌گونه که در روش‌شناسی پژوهش اشاره شد، محاسبه شدت روابط درونی عوامل و ماتریس اثرگذاری آن‌ها با استفاده از تکنیک دیمتل خاکستری انجام شده است. براساس نظرات احصاء‌شده خبرگان، به ترتیب ماتریس تجمیعی روابط مستقیم نرمال‌شده نظرات خبرگان، ماتریس ارتباط مستقیم اولیه و ماتریس ارتباط مستقیم کل (T)، مطابق با گام‌های اول، دوم و سوم تکنیک دیمتل خاکستری محاسبه شد. درنهایت، برای تعیین معیارهای علی و معیارهای وابسته (گام چهارم تکنیک دیمتل خاکستری)، مجموع سطری و ستونی ماتریس T محاسبه و میزان اهمیت شاخص‌ها  $(\bar{D}_i + \bar{R}_i)$  و رابطه بین معیارها  $(\bar{D}_i - \bar{R}_i)$  مشخص شد. نتایج در جدول ۳ قابل مشاهده است.

حال می‌توان براساس نتایج به‌دست‌آمده (جدول ۳)، نمودار تکنیک دیمتل خاکستری را، با استفاده از مقادیر اثرگذاری و مجموع اثر عوامل، ترسیم کرد. نمودار ۱، روابط بین عوامل و اثرپذیری و تأثیرگذاری آن‌ها را نشان می‌دهد.

براساس تکنیک دیمتل خاکستری، عواملی که در بالای محور افقی نمودار قرار می‌گیرند و مجموع اثر خالص‌شان بیشتر از صفر است، جزو عوامل محرک یا تأثیرگذار دسته‌بندی می‌شوند و عواملی که در پایین محور افقی قرار می‌گیرند، جزو عوامل وابسته یا تأثیرپذیر خوشه‌بندی می‌شوند. همچنین هرچه عوامل بالاتر باشند، درجه اثرگذاری‌شان بیشتر است و هرچه این عوامل پایین‌تر باشند، درجه تأثیرپذیری‌شان بیشتر است. همچنین هرچه مجموع اثر عوامل بیشتر باشد (در نمودار ۱ در سمت راست قرار گیرند)، اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند؛ چراکه مجموع اثرگذاری و اثرپذیری‌شان بیشتر است.

براساس نتایج به‌دست‌آمده، هفت عامل: نوآوری و ابتکار عمل و تشریک مساعی کارآفرینان، سرمایه‌گذاران، بخش‌ها و نهادهای مرتبط؛ توسعه متوازن و تغییرات عوامل کالبدی، زیست‌محیطی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی؛ سیاست‌ها و پشتیبانی دولت؛ مدیریت و منابع انسانی؛ تغییر در روابط عرضه و تقاضا و فعالیت‌های بازاریابی؛ نوع و فعالیت گردشگران؛ و تعداد گردشگران/ساکنان در بالای محور افقی قرار گرفته است و در زمره عوامل محرک یا تأثیرگذار به‌شمار می‌رود. بدین معنی که این عوامل، محرک فرایند تحول و تکامل مقصدهای گردشگری به‌شمار می‌رود و تعیین‌کننده ورود مقصدهای گردشگری به مراحل مختلف توسعه و تکامل خویش است؛ و تغییر در آن‌ها، وضعیت توسعه مقصدها را دگرگون می‌کند و آن‌ها را در مراحل تکامل خویش به جلو می‌راند. البته گفتنی است که، براساس مدل‌های تبیین‌کننده تحول و تکامل مقصدهای گردشگری، توازن و تناسب بین این عوامل پیش‌راننده، متعادل‌کننده و پایدارکننده وضعیت توسعه در هر مرحله است.

شش عامل نگرش و مشارکت ساکنان محلی، توسعه زیرساخت‌ها و فناوری‌های نوین، توسعه تسهیلات و خدمات، پایداری توسعه، ظرفیت تحمل و محدودیت‌های رشد، منابع و جاذبه‌های گردشگری و رقابت در پایین محور افقی قرار گرفته و در زمره عوامل وابسته و یا تأثیرپذیر به‌شمار می‌روند؛ بدین معنی که از عوامل تأثیرگذار بر توسعه و تکامل مقصدهای گردشگری اثر می‌پذیرند و در

تعامل با آن‌ها، سیمای توسعه هر مرحله از چرخه حیات و تکامل مقصد را شکل می‌دهند. بدیهی است که عدم توازن و تناسب بین عوامل تأثیرگذار بر عوامل وابسته و تأثیرپذیر نیز مؤثر بوده و با ایجاد آثار منفی فزاینده بر مقصد، در نهایت حتی ممکن است یک مقصد گردشگری را، بدون ورود به مراحل بلوغ و شکوفایی فعالیت‌های گردشگری، در ابتدای مراحل توسعه خویش، به زوال و نابودی بکشاند.

همچنین پنج عامل نوع و فعالیت گردشگران، پایداری توسعه، ظرفیت تحمل و محدودیت‌های رشد، تعداد گردشگران/ساکنان، رقابت و توسعه تسهیلات و خدمات به ترتیب دارای بیشترین اهمیت در فرایند توسعه و تکامل مقصدهای گردشگری هستند. بنابراین، این عوامل از شاخص‌های اساسی توسعه و تکامل مقصد به‌شمار می‌روند. برای نمونه، تعداد و نوع گردشگران در کنار تسهیلات و خدمات گردشگری ایجادشده، نشان‌دهنده مرحله تکامل مقصد است؛ یعنی اگر گردشگران بسیاری از دیگر کشورها به مقصد گردشگری مفروضی سفر کنند که تسهیلات و خدمات با کیفیت بالا و متنوع و فعالیت‌های گردشگری گوناگونی برای آن‌ها فراهم شده باشد، می‌توان آن مقصد را در سطح بین‌المللی و در مرحله بلوغ توسعه و تکامل در نظر گرفت.

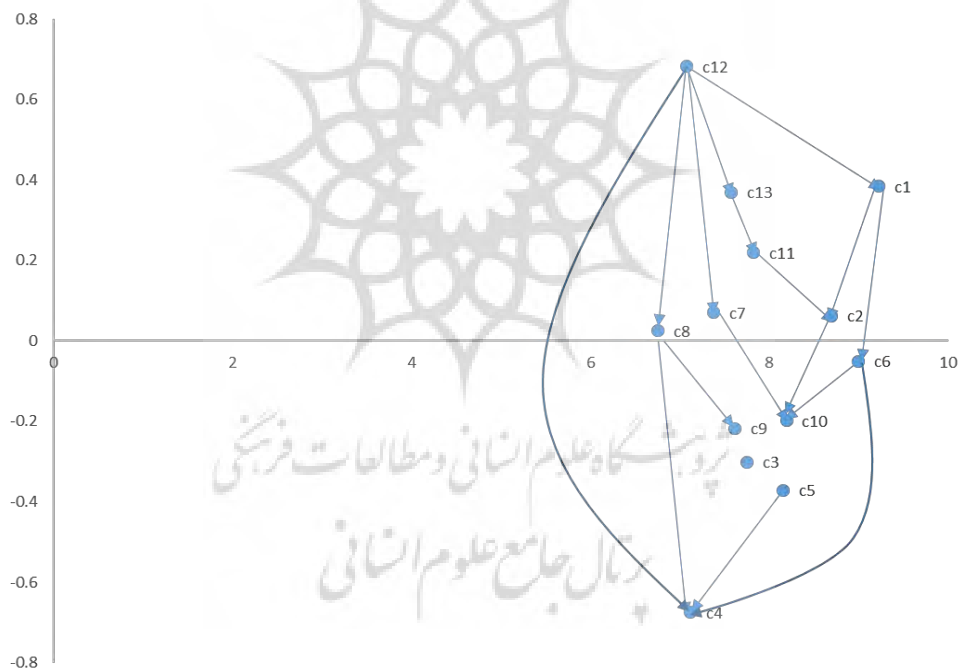
جدول ۳: میزان اهمیت و رابطه بین عوامل

D+R	D-R	نام عامل	نماد
۹/۲۲۳۶	۰/۳۸۴۶۴۲	نوع و فعالیت گردشگران	۱c
۸/۶۹۱۵۷۸	۰/۰۶۲۱۱۷	تعداد گردشگران/ساکنان	۲c
۷/۷۵۲۳۸۹	-۰/۳۰۱۶۸	نگرش و مشارکت ساکنان محلی	۳c
۷/۱۱۸۹۲۵	-۰/۶۷۵۶۶	توسعه زیرساخت‌ها و فناوری‌های نوین	۴c
۸/۱۵۳۰۹	-۰/۳۷۰۸۵	توسعه تسهیلات و خدمات	۵c
۸/۹۹۴۱۰۶	-۰/۰۵۰۴۷	پایداری توسعه، ظرفیت تحمل و محدودیت‌های رشد	۶c
۷/۳۸۰۹۰۸	۰/۰۷۰۸۱۸	تغییر در روابط عرضه و تقاضا و فعالیت‌های بازاریابی	۷c
۶/۷۵۴۲۳۹	۰/۰۲۴۹۴۴	مدیریت و منابع انسانی	۸c
۷/۶۱۹۸۵۴	-۰/۲۱۷۳۳	منابع و جاذبه‌های گردشگری	۹c
۸/۱۹۱۷۱۶	-۰/۱۹۸۷۷	رقابت	۱۰c
۷/۸۲۳۰۸۴	۰/۲۱۹۹۲	توسعه متوازن و تغییرات عوامل کالبدی، زیست محیطی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی	۱۱c
۷/۰۷۹۳۴۲	۰/۶۸۲۹۴۶	سیاست‌ها و پشتیبانی دولت	۱۲c
۷/۵۷۷۳۵۴	۰/۳۶۹۳۷۷	نوآوری، ابتکار عمل و تشریک مساعی کارآفرینان، سرمایه‌گذاران، بخش‌ها و نهادهای مرتبط	۱۳c

منبع: نویسنده، ۱۳۹۵

بررسی بخش دیگری از نتایج پژوهش نشان می‌دهد که عامل سیاست‌ها و پشتیبانی دولت، با وجود قرارگیری در زمره عوامل کم‌اهمیت، بیشترین تأثیر را، چه مستقیم و چه غیرمستقیم، بر سایر عوامل دارد. عامل توسعه زیرساخت‌ها و فناوری‌های نوین از عوامل سیاست‌ها و پشتیبانی دولت، مدیریت و منابع انسانی، توسعه تسهیلات و خدمات و پایداری توسعه، ظرفیت تحمل و محدودیت‌های رشد بیشترین تأثیر را می‌پذیرد. این عوامل نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه زیرساخت‌ها و فناوری‌های نوین دارند که خود موجب عدم نزول و حتی احیای مجدد فعالیت‌های گردشگری در مقصدها خواهد شد. عامل رقابت نیز از عوامل پایداری توسعه، ظرفیت تحمل و محدودیت‌های رشد، تغییر در روابط عرضه و تقاضا و فعالیت‌های بازاریابی و تعداد گردشگران/ساکنان تأثیر می‌پذیرد. این عوامل بر ایجاد مزیت رقابتی بر مقصدهای رقیب، تضمین پایداری توسعه در بلندمدت و تأخیر در ورود به مرحله رکود و نزول و درنهایت احیای مجدد فعالیت‌های گردشگری در فازهای پسانبوه (انواع نوین و پایدار گردشگری) تأثیرگذارند.

نمودار ۱: روابط بین عوامل مؤثر بر تحول و تکامل مقصدهای گردشگری و اثرپذیری و تأثیرگذاری آن‌ها بر یکدیگر



منبع: نویسنده، ۱۳۹۵

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهشگران، با ارائه و نقد و بررسی و آزمودن مدل‌های مختلف، در حوزه مطالعات فرایند توسعه و تکامل مقصدهای گردشگری، به این نتیجه رسیده‌اند که پیچیدگی پدیده گردشگری و تأثیرگذاری عوامل کلان و خرد گوناگون بر آن و تأثیرپذیری آن، مانع ارائه مدلی جامع برای تشریح و تبیین شده است. آن‌ها بر این موضوع اتفاق نظر دارند که توسعه و تکامل مقصدهای گردشگری، علی‌رغم وجود تفاوت در

فرایند توسعه، در چارچوب چرخه‌ها و مراحل صورت می‌گیرد و این چرخه‌ها و مراحل در نتیجه عوامل گوناگونی شکل می‌گیرد. شناسایی این عوامل و تعیین و تبیین نحوه تعامل آن‌ها با یکدیگر، مسئله اصلی این پژوهش بود که در پژوهش‌های پیشین، کمتر به آن پرداخته شده است. در این پژوهش، به بررسی مبانی نظری، پیشینه و ارائه چارچوب نظری پژوهش پرداخته شد. سپس ویژگی‌ها و عوامل مؤثر بر توسعه و تکامل مقصدهای گردشگری، براساس نظر پژوهشگران و مدل‌های تشریح‌کننده فرایند توسعه و تکامل مقصدهای گردشگری، بررسی و استخراج و دسته‌بندی شد و با استفاده از تکنیک دیمتل خاکستری، ارتباط و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آن‌ها بررسی شد.

نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که عوامل نوآوری و ابتکار عمل و تشریک مساعی کارآفرینان، سرمایه‌گذاران، بخش‌ها و نهادهای مرتبط؛ توسعه متوازن و تغییرات عوامل کالبدی، زیست‌محیطی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی؛ سیاست‌ها و پشتیبانی دولت؛ مدیریت و منابع انسانی؛ تغییر در روابط عرضه و تقاضا و فعالیت‌های بازاریابی؛ نوع و فعالیت گردشگران و تعداد گردشگران/ساکنان در زمره عوامل محرک یا تأثیرگذار به‌شمار می‌روند. عوامل نوع و فعالیت گردشگران و تعداد گردشگران/ساکنان، علاوه بر اینکه در رتبه اول و سوم اهمیت در فرایند توسعه قرار دارند، مدّ نظر بیشترین تعداد پژوهشگران ارائه‌کننده مدل‌ها بوده است (جدول ۱). به عوامل دیگر، علی‌رغم اثرگذاری زیاد، در تعداد کمتری از مدل‌ها اشاره شده است. باوجوداین پژوهشگران مدل‌های مطرح و نوین تشریح‌کننده فرایند توسعه و تکامل مقصدهای گردشگری، مانند باتلر (۱۹۸۰)، پریدوکس (۲۰۰۰)، گری و کانوس (۲۰۱۱) و ما و هاسینک (۲۰۱۳)، این عوامل را واجد اهمیت و تأثیر زیاد در فرایند توسعه گردشگری و پیش‌راننده و متعادل‌کننده و پایدارکننده وضعیت توسعه در هر مرحله دانسته‌اند.

نتایج حاصل از بخش دیگری از پژوهش نشان می‌دهد که شش عامل نگرش و مشارکت ساکنان محلی، توسعه زیرساخت‌ها و فناوری‌های نوین، توسعه تسهیلات و خدمات، پایداری توسعه، ظرفیت تحمل و محدودیت‌های رشد، منابع و جاذبه‌های گردشگری و رقابت در زمره عوامل تأثیرپذیر به‌شمار رفته و در تعامل با عوامل تأثیرگذار، سیمای توسعه هر مرحله از چرخه حیات و تکامل مقصد را شکل می‌دهند. عامل نگرش و مشارکت ساکنان محلی با وجود اهمیت و تأثیرپذیری متوسط، در رتبه سوم عواملی قرار دارد که بیشترین تعداد پژوهشگران به آن اشاره کرده‌اند. سه عامل تسهیلات و خدمات گردشگری، زیرساخت‌ها و منابع، جاذبه‌های گردشگری سه عنصر اصلی عرضه گردشگری هستند که در تعامل با وجه تقاضا، سیستم گردشگری را شکل می‌دهند. نگرش و مشارکت مثبت و مؤثر ساکنان محلی در تعامل با عناصر عرضه گردشگری، وجه ضروری در ارائه خدمات مناسب و شکل‌گیری تجربه گردشگری مطلوب منطبق با انتظارات گردشگران به‌شمار می‌رود. عامل پایداری توسعه، ظرفیت تحمل و محدودیت‌های رشد بر شکل و روند و میزان توسعه گردشگری تأثیر می‌گذارد و مانع توسعه خارج از محدوده ظرفیت تحمل مقصد در ابعاد کالبدی، زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و ادراکی می‌شود. این عامل در پژوهش پریدوکس (۲۰۰۰، ۲۰۰۴) نیز، عاملی مهم و ویژه است که ممکن است مانع رشد، در مرحله اولیه توسعه مقصد، باشد. درنهایت، عامل رقابت بر کیفیت خدمات و محصولات

گردشگری مقصد می‌افزاید و موجب می‌شود که مقصد گردشگری مفروض، در محیط رقابتی حال حاضر، سهم مناسبی از بازار کسب کند؛ آن را حفظ می‌کند و حتی توسعه می‌دهد.

در این پژوهش، عوامل نوع و فعالیت گردشگران، پایداری توسعه، ظرفیت تحمل و محدودیت‌های رشد، تعداد گردشگران/ساکنان، رقابت و توسعه تسهیلات و خدمات به ترتیب دارای بیشترین اهمیت در فرایند توسعه و تکامل مقصدهای گردشگری هستند. عامل پایداری توسعه، ظرفیت تحمل و محدودیت‌های رشد، با وجود قرارگیری در رتبه دوم اهمیت، تنها توسط پژوهشگران اخیر همچون باتلر (۱۹۸۰)، پریدوکس (۲۰۰۰)، گری و کانوس (۲۰۱۱) و ما و هاسینک (۲۰۱۳) تأکید شده‌اند. عامل رقابت نیز، با وجود اهمیت زیاد در فرایند توسعه و تکامل مقصدهای گردشگری (رتبه چهارم)، تنها در پژوهش پریدوکس (۲۰۰۰) و ما و هاسینک (۲۰۱۳) مدنظر قرار گرفته است.

از عواملی که بیشترین تأثیر را بر دیگر عوامل دارند، می‌توان به عامل سیاست‌ها و پشتیبانی دولت اشاره کرد که با وجود قرارگیری در رتبه سیزدهم اهمیت نسبت به سایر عوامل، بیشترین میزان تأثیر را، چه مستقیم و چه غیرمستقیم، بر سایر عوامل دارد. به این عامل تنها در مدل‌های چهار پژوهشگر شامل کلر (۱۹۸۷)، اسمیت (۱۹۹۲)، پریدوکس (۲۰۰۰) و ما و هاسینک (۲۰۱۳)، اشاره شده است. عامل توسعه زیرساخت‌ها و فناوری‌های نوین، که بیشترین میزان تأثیر را از دیگر عوامل می‌پذیرد، نیز به مانند عامل سیاست‌ها و پشتیبانی دولت، تنها در مدل‌های کلر (۱۹۸۷)، استنسفیلد (۱۹۷۸)، پریدوکس (۲۰۰۰) و ما و هاسینک (۲۰۱۳)، به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر توسعه و تکامل مقصدهای گردشگری مطرح شده است.

در نهایت و به عنوان جمع‌بندی پژوهش، می‌توان به این مهم اشاره کرد که توجه کافی از سوی برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان به عوامل تأثیرگذار بر فرایند توسعه و تکامل مقصدهای گردشگری، اولویت‌بندی و دسته‌بندی و مدنظر قرار دادن روابط علی و معلولی آن‌ها با یکدیگر موجب ایجاد بسترهای لازم برای تحقق توسعه و تکامل مطلوب و الگومدار مقصدهای گردشگری خواهد شد؛ به گونه‌ای که تعادل و پایداری طولانی‌مدت در انتفاع ذی‌نفعان توسعه مقصدهای گردشگری، در همه ابعاد و سطوح، تضمین خواهد شد. این پژوهش بر بررسی رابطه بین عوامل مؤثر بر توسعه و تکامل مقصدهای گردشگری و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آن‌ها متمرکز بود و بالطبع چگونگی شکل‌گیری این روابط و کم و کیف آن در چارچوب این پژوهش قرار نگرفت و به شکل تفصیلی به کنکاش، کاوش و بحث پیرامون آن پرداخته نشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود این موارد، در پژوهش‌های آتی، به تفصیل بررسی شوند.

#### منابع:

دلشاد، علی. (۱۳۸۷). شناسایی الگوی مناسب توسعه مقصدهای تفرجگاهی در جمهوری اسلامی ایران، مطالعه موردی: منطقه کلاردشت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.

سعیدا اردکانی، سعید. (۱۳۸۲). کاربرد مفاهیم چرخه عمر گردشگری و ظرفیت تحمل پذیری در توسعه گردشگری. *فصلنامه مطالعات جهانگردی*، شماره ۲، صص ۴۹-۶۶، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.

ضرغام، حمید، دلشاد، علی. (۱۳۹۰). ارائه الگوی مناسب توسعه گردشگری در کلاردشت. *فصلنامه علمی - پژوهشی گردشگری و توسعه*، شماره ۱ (زمستان ۱۳۹۰)، صص ۱۴۴-۱۷۳، تهران، انجمن علمی گردشگری ایران.

نیومن، ویلیام لاورنس. (۱۳۹۵). *روش‌های پژوهش اجتماعی، رویکردهای کیفی و کمی*. جلد اول، مترجمان: ابوالحسن فقیهی و عسل آغاز، چاپ سوم. تهران: نشر ترمه.

Alvares, Daniela. & Lourenco, Julia. (۲۰۰۵). Life Cycle Modeling for Tourism Areas. Guimaraes, Portugal, University of Minho.

Bai, Chunguang. & Sarkis, Joseph. (۲۰۱۳). A grey-based DEMATEL model for evaluating business process management critical success factors. *Int. J. Production Economics*, ۱۴۶(۱), PP. ۲۸۱-۲۹۲.

Berry, Edward Norman. (۲۰۰۱). an Application of Butler's (۱۹۸۰) Tourist Area Life Cycle Theory to the Cairns Region. Australia, ۱۸۷۶-۱۹۹۸, PHD Thesis, School of Tropical Environment studies and Geography, James Cook University of North Queensland.

Butler, Richard W. (۲۰۰۱). The Resort Cycle, Two Decades On. Tourism in the ۲۱th century, lessons from experience conference, UK, London, Continuum Publishing, ۲۶۴-۲۹۹.

Butler, Richard W. (۲۰۰۶). *The Tourism Area Life Cycle, Conceptual and Theoretical Issues*. Vol. ۲, Canada, Channel View Publication.

Cole, Sam. (۲۰۱۲). Synergy and Congestion in the Tourist Destination Life Cycle. *Tourism Management*, Vol. ۳۳, pp. ۱۱۲۸-۱۱۴۰.

Diedrich, Amy, & Garcí a-Buades, Esther. (۲۰۰۹). Local perceptions of tourism as indicators of destination decline. *Tourism Management*, Vol. ۳۰, pp. ۵۱۲-۵۲۱.

Garay, Luis, & Ca`noves, Gemma. (۲۰۱۱). Life Cycles, Stages and Tourism History; the Catalonia (Spain) Experience. *Annals of Tourism Research*, Vol. ۳۸, No. ۲, pp. ۶۵۱-۶۷۱.

Keller, C. P. (۱۹۸۷). Stages of peripheral tourism development-Canada's North West territories. *Tourism Management*, ۸(۱), ۲۰-۳۲.

Liu, Sifeng. & Lin, Yi. (۲۰۰۶). *Grey Information: Theory and Practical Application*. USA. Springer.

Ma, M., & Hassink, R. (۲۰۱۳). An Evolutionary Perspective on Tourism Area Development. *Annals of Tourism Research*, ۴۱, ۸۹-۱۰۹.

Moore, Winston, & Whitehall, Peter. (۲۰۰۵). The Tourism Area Lifecycle and Regime Switching Models. Central Bank of Barbados, Barbados, *Annals of Tourism Research* Vol, ۳۲, No. ۱, pp, ۱۱۲-۱۲۶.

- Mulej, M., Dang, Y., Liu, S., & Mi, C. (۲۰۰۶). Multi-attribute grey incidence decision model for interval number. *Kybernetes*, ۳۵(۷/۸), ۱۲۶۵-۱۲۷۲.
- Pearce, Douglas. (۱۹۸۹). *Tourist Development* (۲nd edition.). New York: Longman.
- Prideaux, Bruce. (۲۰۰۰). The Resort Development Spectrum- a new approach to modeling resort development. *Tourism Management*, ۲۱ (۲۰۰۰), ۲۲۵-۲۴۰.
- Prideaux, Bruce. (۲۰۰۴). the Resort Development Spectrum: The Case of the Gold Coast. Australia, *Tourism Geographies*, ۶:۱, ۲۶ - ۵۸.
- Rodríguez, Juan Ramo' n Oreja. Parra-Lo' pez, Eduardo. Yanes-Este' vez, Vanessa. (۲۰۰۸). the sustainability of island destinations: Tourism area life cycle and teleological perspectives. The case of Tenerife. *Tourism Management*, Vol. ۲۹, pp. ۵۳-۶۵.
- Singh, Sagar. (۲۰۱۱). the Tourism Area 'Life Cycle': a Clarification, *Annals of Tourism Research*, Research notes and reports, Vol, ۳۸, No. ۳, pp, ۱۱۸۵-۱۱۸۷.
- Smith, R. A. (۱۹۹۲). Beach resort evolution. *Annals of Tourism Research*, ۱۹(۲), ۳۰۴-۳۲۲.
- Stansfield, C. (۱۹۷۸). Atlantic City and the resort cycle. *Annals of Tourism Research*, ۵, ۲۳۸-۲۵۱.
- Swarbrooke, John. (۱۹۹۸). *Sustainable Tourism Management*. CABI publication. London, UK, P: ۲۵۶-۲۶۲.
- Xia, X., Govindan, K., & Zhu, Q. (۲۰۱۵). Analyzing internal barriers for automotive parts remanufacturers in China using grey-DEMATEL approach. *Journal of Cleaner Production*, ۸۷, ۸۱۱-۸۲۵.
- Young, B. (۱۹۸۳). Touristization of traditional Maltese fishing-farm villages. *Annals of Tourism Research*, ۱۶(۲), ۳۵-۴۱.